

«تربیت» کجای کار طالبان «ریاست جمهوری» است؟

انتشار شماره بهار «فصلنامه مطالعات برنامه درسی» انجمن علمی مطالعات برنامه درسی ایران همراه می‌شود با انتخاب ریاست جمهوری برای مدیریت امور کشور که با تدابیر ایشان وارد قرن پانزدهم شمسی خواهیم شد. وقتی یکصد سال پیش ایرانیان وارد قرن چهاردهم شمسی می‌شدند، امیدوار بودند که حکومت به گسترش تربیت عادلانه اقدام کند و از این طریق، دسترسی عادلانه به موقعیت‌های سازمانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای ملت فراهم آورد. طی یکصد سال گذشته، با همّت دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی، شکلی از تربیت نوین در کشور گسترش یافت و دسترسی عمومی به آن ممکن شد. اکنون جای طرح این پرسش است که رئیس جمهور آینده، تربیت را در کجای برنامه‌های خود نشانده است؟

همواره شنیده‌ایم که «تربیت مهم است» و گفته می‌شود که اسلام برای تربیت اهمیت بنیادین قائل است. سخن از تربیت هم در فرایند انقلاب اسلامی ملت ایران مطرح بود و هم در زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی همواره دنبال شده است. در این موضوع، دست کم به احترام آموزه‌های دینی و به تبعیت از مقررات ملی و جهانی، مدیریت کشور گاه از تربیت ملت سخن می‌گوید. اما حاصل آن چه بوده است؟ آیا واقعا تربیت یکی از ارکان امور ملت بهنگام سخن گفتن از توانایی برای مدیریت جامعه و گسترش عدالت محسوب می‌شود؟ واجدین شرایط برای استقرار در جایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران در گفتارها و در تبلیغات و در تبیین‌های خود از مسائل مهم ایران امروز، تربیت ملت را در کجا نشانده‌اند؟

تربیت در دنیای امروز و در ایران کنونی یکی از موضوعات حقوق ملت است. در بیانیه جهانی حقوق بشر^۱ (مصوب ۱۹۴۸)، که ایران به آن رای مثبت داد، آمده است: «آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست، دست کم در دوره‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همگان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می‌بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای همه مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی

1. <https://shenasname.ir/laws/asasi/1294-elamie>

برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد. آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری [تسامح] و دوستی میان تمامی ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به برنامه‌های «ملل متحد» در راه حفظ صلح یاری رساند. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود برتری دارند (ماده ۲۶)».

در قانون اساسی جمهوری اسلامی^۱ (۱۳۶۸/۱۹۸۹) بیان شده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد (اصل سی‌ام)». همچنین، در اعلامیه اسلامی حقوق بشر^۲ (۱۹۹۰) گفته شده: «الف. طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را، به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد. ب. حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نماید، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند، به گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود (ماده نهم)».

مفاد این قوانین نشان می‌دهد که تربیت یک حق فردی و اجتماعی است. یعنی از سویی فرد دارای این حق است که از شایستگی زیستن در جامعه و جهان کنونی برخوردار باشد به گونه‌ای که از عهده امور خویش برآید و در زندگی خود به خوشبختی برسد و از سویی جامعه دارای این حق است که از اعضای فرهیخته برخوردار باشد؛ اعضای دانا، مسئول، اخلاقی، دگرپذیر، خیرخواه و همیار. احقاق این حق، نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی برای ملت

1. https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution

2. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4518/5509/537101>

سخن سردبیر: «تربیت» کجای کار طالبان «ریاست جمهوری» است؟

محسوب می‌شود. پروردگی ملت، بزرگترین سرمایه کشور است که از طریق تربیت حاصل می‌شود.

تربیت امکان فرهیختگی ملت را مهیا می‌کند. حکومت با توسعه تربیت و سرمایه‌گذاری کافی و لازم در تربیت رسمی عمومی، رسمی حرفه‌ای - تخصصی و غیررسمی، آشکار می‌سازد که ملت را فرهیخته می‌خواهد. ملت فرهیخته هم با مدیریت و هم با همت خود، کشور را محافظت می‌کند، دارایی آن را می‌افزاید و با نوآوری‌های مداوم، خود را در جهانی که در آن زندگی می‌کند سرآمد می‌سازد. اینچنین ملتی البته در تحت حکمرانی‌های مردم‌سالار، مقبول طبع حاکمان است. حکمرانی مردم‌سالار، هم نیازمند فرهیختگی ملت است و هم زمینه‌ساز آن. «نیازمند» است به سبب آنکه آنچه از قدرت می‌جوید در قابلیت ملتی همراه، ظهور می‌یابد و «زمینه‌ساز» آن است به سبب آنکه بر مشارکت ملت بنا شده و با شفافیت به پیش می‌رود. «مشارکت» نوعی فرصت برای تمرین مدیریت توسط ابناء ملت است و «شفافیت» نوعی امکان برای نقادی و تقدیر ملت از حکومت. ملتی که در عمل است و بر آن تأمل می‌ورزد و نسبت به دستاوردهای آن حساسیت دارد، همواره در زیست تربیتی است. تربیت نوعی محافظت از کیان ملت است. با تربیت ملت، توانایی حاصل می‌شود و مردم بدین طریق خود را تأمین و تدارک می‌کنند. ملت قوی و قدرتمند، ملتی است که صاحب دانایی است. در جهان امروز که امور مختلف آن حرفه‌ای و تخصصی شده است، راه کسب دانایی و توانایی از تربیت عادلانه و همگانی می‌گذرد.

وقتی سخن از تربیت است، در قلب آن «معلم» قرار دارد. در پیرامون معلم، که بخش زنده تربیت است، برنامه درسی، مدیریت و امکانات مطرح می‌شوند. معلمی کردن یکی از اشتغالات سخت و مهم جامعه است. متفکران بزرگ دوره مدرن، همه به نحوی از سختی این کار و در عین حال از اهمیت و آثار این کار برای حیات انسانی و توسعه اجتماعی سخن گفته‌اند. در دوره مبارزه با استبداد، برخی از رهبران فکری نهضت اسلامی ایران بر این باور بودند که اگر «آموزش و پرورش» در اختیار آنان قرار گیرد، جامعه دیگری را خواهند ساخت. آیا کسانی که امروز در استمرار همان نهضت، در پی نشستن بر جایگاه ریاست جمهوری هستند همچنان دارای آن اندیشه‌ها می‌باشند؟ و اگر چنان می‌اندیشند، چه نگاهی به تربیت دارند و چه برنامه‌ای برای آن؟

در این عرصه پرسش‌هایی بسیار طی چهار دهه گذشته برآمده است، که بی‌پاسخ مانده‌اند. شاید طرح برخی از آنها در اینجا در تحت چهار محور «معلمان» (اعم از آموزگار، دبیر، مربی، استادیار، دانشیار و استاد)؛ «برنامه درسی» (اعم از آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه، آموزش عالی و آموزش غیررسمی)، «مدیریت» (اعم از مدیریت یک واحد خرد مثل یک مدرسه در آموزش و پرورش یا گروه آموزشی در دانشگاه تا کلان نظام تربیت مثل وزارت‌های مربوط و هیات امنای مراکز آموزشی و شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی) و «امکانات و اقتضات» (اعم از مکان، وسایل فضای واقعی و مجازی، لوازم و اقتضات تربیت) بتواند موجبی برای اندیشه کسانی شود که در پی ریاست جمهوری هستند و علاقه‌ای هم به مسائل اساسی عرصه تربیت دارند:

- **معلمان:** وضعیت معلم چگونه رقم خواهد خورد؟ مساله اساسی وضعیت معلمان، موضوعات «معیشت» و «مشارکت آنان در امور مهم تربیت» و «چگونگی کسب شایستگی» و «تعالی سازمانی» است. آنان برای کار طاقت‌فرسای خود که در شرایط کرونایی و آموزش مجازی با سختی بیشتر و درگیری گسترده‌تر همراه شده است، چه مزدی دریافت خواهند کرد که کفاف زندگی آبرومند در شرایط کنونی اقتصاد کشور را بدهد؟ آنان چه نقشی در برنامه‌های درسی و تربیتی خواهند داشت؟ معلمان از چه حیثیتی در اداره امور سازمانی خود برخوردار خواهند بود؟ معلمان چگونه تربیت خواهند شد تا کسب شایستگی کنند؟ آیا همچنان تربیت معلم برای خدمت در آموزش و پرورش در انحصار یک واحد فقیر دانشگاهی خواهد ماند و یا از فرصت‌های آموزش عالی کشور و توان دانشگاه‌هایی که سرمایه ملت می‌باشند، برای مشارکت در تربیت معلم بهره گرفته خواهد شد؟ آیا همچنان تربیت آموزشگر برای دانشگاه‌های کشور را به دانشگاه‌های داخلی محدود خواهیم کرد یا فرصت‌هایی برای تحصیل در دانشگاه‌های معتبر جهان فراهم خواهیم ساخت؟ ارتقای شغلی معلمان (نظام مدرسه‌ای و دانشگاهی) به کدام سو سوق خواهد یافت؟ فعالیت‌های صنفی معلمان با چه تعریفی و تصویری معرفی خواهند شد^۱ و صدای معلمان چگونه شنیده خواهد شد؟

۱. در بند ۴ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: هر شخصی حق دارد که برای حفاظت از منافع خود، اتحادیه صنفی تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های صنفی بپیوندد.

سخن سردبیر: «تربیت» کجای کار طالبان «ریاست جمهوری» است؟

- **برنامه درسی:** برنامه‌های درسی و تربیتی چه جایگاهی خواهند داشت؟ نسبت بین معلم (بخش گویای برنامه درسی) و کتاب درسی یا سرفصل (بخش صامت برنامه درسی)، چگونه تعریف خواهد شد؟ برنامه درسی چگونه با زیست‌بوم و فرهنگ و زبان و نیازهای محلی و بومی، تعامل خواهد کرد؟ برنامه درسی برای ترویج کدام فرهنگ اجتماعی و برای تشکیل کدام باورهای دینی و برای تحکیم کدام ارزش‌های جهانی و برای تحقق کدام شایستگی‌های واقعی دانش‌آموختگان برای زیست در کدام جهان (بوم‌گرایی یا جهان‌سازی)، مسئولیت خواهد داشت؟ دانش‌آموختگان برای زندگی در کدام زمان (دنیای گذشته، دنیای اکنون یا دنیای آینده)، آماده می‌شوند؟ شایستگی‌های عمومی و مشترک و شایستگی‌های تخصصی و انحصاری از چه نوعی خواهند بود و معطوف به تحقق چه شخصیتی و چه عضوی برای جامعه هستند؟

- **مدیریت:** مدیریت نظام تربیتی و زیرنظام‌های آن چگونه رقم خواهد خورد: یک سلسله دیوان‌سالار ناکارآمد یا شبکه‌ای انسانی با مشارکت فعال و انگیزه‌ساز و هدایت‌گر کارگزاران واقعی تربیت؟ در تعیین مدیران و تعریف سیاست‌های نظام تربیتی، تا چه میزان دست‌اندرکاران و کارگزاران واقعی آن سهم خواهند بود و تا چه میزان نهادهای بیرونی رقیب و مدعی فهم و عمل بهتر؟ نسبت بین دو نهاد علم و دین در عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری حوزه تربیت چگونه تعریف و تعیین خواهد شد؟ آیا همچنان بناست عالمان عرصه دین و تجربه‌کردگان حوزه علمیه در عرصه تربیت نوین اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی و تربیت غیررسمی، بر صدر نشینند و قدر ببینند و متخصصان و تجربه‌کردگان این عرصه‌ها در نقش فرودست فرمانبردار یا شخصیت بیرون‌مانده از کارزار، عمل کنند؟ مدیریت و سیاست در عرصه تربیت نوین، نیازمند دانش و آگاهی از علم نوین و تخصص مربوط است و چنین علمی همان است که در دانشگاه‌ها و مدارس به شاگردان آن، آموخته می‌شود. آیا رئیس جمهور آینده در کار سامان‌بخشی بین این حوزه‌های متفاوت دانش (دانش فلسفی، دانش عرفانی، دانش دینی، دانش علمی، دانش هنری، دانش ادبی و ...)، برخی را نقش سلطانی و برخی را نقش بردگی خواهد بخشید؟

امکانات و اقتضائات: تا چه زمانی بناست تصور شود که «مردان راه» در «میان خون» خواهند رفت؟^۱ این شعاری است که عملی را نشان می‌دهد که طی چهار ده گذشته بدان پرداخته شد و می‌توان آن را «نظریه ایشالا» نامید. وقتی که مدیران بدون عنایت به اقتضائات یک عمل (مخصوصاً علم و شایستگی مربوط)، فقط کلنگ می‌زنند - که ایشالا درست شود - در قالب همین نظریه عمل می‌کنند. اینان کسانی هستند که به اتکای آرزوها برنامه می‌نویسند و تصویب می‌کنند و هیچیک از اقتضائات آن را فراهم نمی‌سازند و برای آن گام برنمی‌دارند و باز هم برنامه دیگر می‌نویسند! «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» (۱۳۸۴) و «طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» (۱۳۶۸) در همین قاعده قابل طرح‌اند! در کجای «اول بودن در منطقه» قرار داریم؟ در کجای همگانی کردن آموزش عمومی هستیم؟ «کودکان کار»، که محرومان امروز تربیت هستند، چه فردایی خواهند داشت و با کدام شایستگی به عضویت جامعه وارد می‌شوند و جامعه با محرومیت از توان این فرزندان خود، چه میزان زیان کرده است؟ آیا کسی پاسخ خواهد داد که چرا چنین است یا آنکه برنامه‌ای با طول زمان بلندتر روی میز قرار می‌گیرد؟ آیا اصولاً این باور مطرح می‌باشد که تربیت نیازمند امکانات است و برای آن اقتضائاتی مطرح است؟ اقتضای تربیت در نگاه رئیس جمهور آینده چیست؟ آیا همچنان بناست دل به تولید نظریه ملی بسپاریم و به امید طرح‌های تربیتی وطنی، به انتظار بنشینیم یا باور داریم که در این عرصه، اقتضای پرهیز از کوشش و خطا و وارد ساختن زیان‌های جبران‌ناپذیر بر ملت، استفاده از تجربه بشری در جهان کنونی است؟ چه راهی برای تبادلات تربیتی اندیشیده شده است؟ آیا ناآگاهی ملت از پیشرفت‌های تربیتی دیگران و بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌های به حق مردم را بناست سیاست خود قرار دهیم؟

پایان

نعمت‌الله موسی‌پور

دانشگاه فرهنگیان

۱. این ابیات عطار نیشابوری در «مختارنامه» گاه مستند مدیرانی است که اقتضائات را فراهم نکرده‌اند اما انتظار دستاوردی عظیم را دارند:

گر مرد رهی میان خون باید رفت / وز پای فتاده سرنگون باید رفت / تو پای به ره در نه و هیچ مپرس / خود را بگویدت که چون باید رفت